### نگاهی به نواقص و معایب چرخه حضور خارجی‌ها در فوتبال ایران

# مسیری که با دلالی منحرف شد

گزارش
فریدون حسن

تیم‌های باشگاهی فوتبال برای تقویت خود و بهره‌مند شدن از کلاس بالای فوتبال اقدام به جذب بازیکنان خارجی و تراز اول می‌کنند. اصلاً اینگونه است که فوتبال به عنوان یک فرهنگ در سطح جهان گسترش پیدا می‌کند.

فوتبال آسیا هم از این قاعده مستثنی نماند و تقریباً از سه دهه قبل تابوی عدم‌حضور بازیکنان اروپایی و امریکای‌جنوبی در فوتبال قاره کهن شکسته شد. ژاپنی‌ها در این مسیر پیشگام بودند و با استخدام ستارگان نامدار فوتبال جهان که سال‌های آخر فوتبال خود را سپری می‌کردند، کاری کردند که سطح فوتبال‌شان بالا آمد. زیکو، لینه کر و فالکائو بزرگان فوتبال در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی بودند که سال‌های آخر فوتبال خود را در ژاپن گذراندند و تأثیر بی‌نظیری روی فوتبال چشم بادامی‌ها گذاشتند، به طوری که آنها از تیم درجه ۲ آسیا تبدیل به قدرت اول قاره شدند و ایران، کره‌جنوبی و عربستان را پشت سر گذاشتند.

چند دهه بعد، یعنی حدود چند سال پیش عربستان و کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس تجربه ژاپنی‌ها را با گامی جلوتر تکرار کردند، یعنی آنها با استفاده از دلارهای نفتی اقدام به استخدام بازیکنان تراز اولی کردند که هنوز با خداحافظی فاصله داشتند. رونالدو و نیمار از جمله این بازیکنان بودند. کشورهای عربی به این هم بسنده نکردند و در جذب مربیان تراز اول هم اقدامات قابل توجهی انجام دادند. این کشورها با رویکردی متفاوت نسبت به دهه‌های قبل سطح فوتبال‌شان را چنان بالا آوردند که کشوری مثل قطر به راحتی و در حضور قدرت‌هایی چون ژاپن، عربستان، کره‌جنوبی و ایران دو بار پیاپی قهرمان آسیا شد.

کشورهای عربی برخلاف چند دهه قبل که بدون برنامه پول خرج می‌کردند با کار زیربنایی و استفاده درست از دانش روز فوتبال سطح فوتبال خود را بالا آوردند و حتماً طی سال‌های پیش رو حرف‌های زیادی برای گفتن خواهند داشت.

اما ایران که فوتبالش سال‌ها آقای آسیا بود طی دهه‌های گذشته با افت فاحش در رده باشگاهی و حتی ملی چنان از رقبا عقب افتاد که دیگر نمی‌توان نام آن را به صورت جدی در جمع قدرت‌های فوتبال قاره کهن آورد. فوتبال ایران برخلاف رقبای خود طی تمام سال‌های گذشته هیچ‌گاه نتوانسته است از دانش روز فوتبال بهره لازم را ببرد، چون این مسیر را هم مانند حرفه‌ای‌شدن اشتباه پیموده است.

استخدام مربیان و بازیکنان بی‌کیفیت خارجی، اهمیت ندادن به فوتبال رده‌های پایه و خیال‌بافی و دلخوش بودن به افتخاراتی که سال‌ها از آنها می‌گذرد؛ معضلاتی است که فوتبال ایران دچار آن است.

بدون تردید حضور بازیکنان و مربیان بی‌کیفیت خارجی طی یکی‌دو دهه گذشته و برخلاف دهه‌های قبل نقش بسیار پررنگی در عقب‌افتادگی فوتبال ایران دارد. هر چند تعداد محدودی بازیکن خارجی با کیفیت هم سر از باشگاه‌های ایران درآورده‌اند اما سلطه شبکه دلالی بر فوتبال ایران عملاً کاری کرده که به جرئت می‌توان گفت بالای ۹۰درصد خارجی‌هایی که سر از فوتبال ایران درمی‌آورند، بی‌کیفیت و فاقد قابلیت‌های یک لژیونر خوب هستند، البته توجه داشته باشید که این تنها مربوط به بازیکنان خارجی تیم‌هایی است که بیشتر از بقیه جلوی چشم هستند، حتماً اوضاع در تیم‌های دیگر فاجعه‌بارتر هم است.

آنچه در پی می‌آید تنها چند مورد مهم از نواقص و معایب چرخه استخدام بازیکنان و مربیان خارجی است؛ چرخه‌ای که کاملاً تحت سلطه دلال‌های فوتبال است و تا زمانی که از چنگ آنها خارج نشود، فوتبال ایران روی پیشرفت و ترقی به خود نخواهد دید.

## قرارداد ببند و پولت را بگیر

■ شیوا نوروزی

رشته‌ای که مدیریت حرفه‌ای، صحیح و هوشمندانه نداشته باشد، آخر و عاقبتش می‌شود مثل فوتبال ایران؛ زیان‌ده اما با گردش مالی بسیار نجومی. مستطیل سبز کشورمان هیچ عایدی‌ای جز حاشیه‌سازی، حیف و میل بیت‌المال و جنجال نداشته و ندارد ولی تا دل‌تان بخواهد پول‌های هنگفت برای خرید بازیکنان و مربیان خارجی خرج می‌شود، آن هم برای خارجی‌های بی‌کیفیت! بدون اینکه هیچ مرجع و نهادی به این مسئله ورود کند.

با اینکه سطح و کیفیت فنی فوتبال ما هر روز افت می‌کند و حتی دیگر جزو تیم‌های درجه ۲ آسیا هم نیستیم ولی در عوض سوءمدیریت‌ها لیگ‌برتر ایران را به بهشت خارجی‌ها تبدیل کرده است. قراردادهای بی‌حساب و کتابی که با اتکا بر بودجه دولتی منعقد می‌شوند کاری کرده که هیچ خارجی‌ای دست خالی ایران را ترک نکند. بسیاری از آنها حتی تا آخر قراردادشان نیز نمی‌مانند و به هزار و یک بهانه و با اتکا بر بندهای موجود در قراردادشان، خیلی زود بار سفر می‌بندند و می‌روند و از خارج به شکایت تهدیدمان می‌کنند.

در همین لیگ بیست‌وچهارم که هنوز هفته‌های زیادی از آن باقی مانده نمونه‌های زیادی هستند که اتفاقاً با تیم‌های پرطرفدار تهرانی قرارداد داشتند. خوان کارلوس گاریدو در پایان هفته سیزدهم و تنها پس از شش ماه حضور روی نیمکت پرسپولیس به صورت توافقی از این تیم جدا شد، البته این جدایی توافقی کاملاً به سود مربی

آرژانتینی بود چراکه او با دریافت نیمی از دستمزد ۸۰۰هزار دلاری‌اش تهران را ترک کرد و بلافاصله با یک تیم از لیبی قرارداد بست. پرسپولیس در زمان رفتن گاریدو تیم چهارم جدول بود و در لیگ‌نخبگان هم یک برد، دو باخت و سه تساوی داشت. مدیران باشگاه پرسپولیس نه تنها از پرداخت این رقم و بلاتکلیف ماندن تیم در میانه راه ناراحت نبودند بلکه یک خارجی دیگر را جایگزین گاریدو کردند.

گفته می‌شود اسماعیل کارتال اهل ترکیه با قراردادی ۲میلیون و ۲۰۰هزار دلاری به مدت ۱/۵فصل با قرمزها قرارداد بسته و این رقم با افزودن دستمزد دستیارانش به ۲میلیون و ۷۰۰هزار دلار می‌رسد. لوکاس ژائو، مهاجم آنگولایی با اینکه برای پرسپولیس کاری نکرد ولی با فسخ یک‌طرفه قراردادش از سوی باشگاه، حالا در انتظار دریافت ۸۰۰هزار دلار ناقابل است، در غیر این صورت بی‌معطلی شکایتش را به فیفا خواهد برد. اوضاع استقلال رقیب سنتی قرمزها بدتر از آنهاست.

پیتسو موسیمانه ناشناخته که اولین مربی آفریقایی لیگ ایران لقب گرفت، بعد از آنکه فهمید هرچه بیشتر دست و پا بزند، استقلال بیشتر در بحران فرو می‌رود، از بدقولی مدیران باشگاه سوءاستفاده کرد و با فسخ یک‌طرفه قرارداد خود از ایران رفت، البته پیغام فرستاده یک‌میلیون و ۲۰۰هزار دلار من را بدهید، وگرنه شما می‌دانید و فیفا. استقلال از موسیمانه بدتر هم داشته؛ آلمدین زیلیکیچ و ودران کیوسفسکی دو بازیکن بوسنیایی که حتی یک ثانیه هم با پیراهن استقلال به میدان نرفتند، هردو به فیفا شکایت و مبلغی حدوداً ۶۰۰هزار دلار به عنوان غرامت درخواست کرده‌اند. نمونه‌های قدیمی‌تر و اسم و رسم‌دارتر را نیز همه می‌شناسند. هنوز داغ غرامت سنگین ویلموتس سرد نشده و فراموش نکرده‌ایم، استراماچونی چگونه یک‌میلیون و ۴۰۰هزار دلار از استقلال گرفت. همه این پول‌ها از جیب مردم و بیت‌المال پرداخت شده و آقایان هنوز مدعی درآمدزایی برای فوتبال هستند. واقعیت تلخی است که مشاهده کنیم پول مردم و بیت‌المال در این وانفسای اقتصادی اینگونه خرج فوتبالیست‌هایی می‌شود که حتی درصدی هم از این مبالغ نمی‌ارزند.

## «تمساح کنت» را کم داشتیم!

■ دنیا حیدری

آب که سربالا برود، قورباغه هم ابوعطا می‌خواند و در فوتبال ایران به لطف حضور مدیران ناکارآمد و نالایق این اتفاق به امری کاملاً طبیعی و رایج تبدیل شده است، خصوصاً در عقد قرارداد با خارجی‌ها. می‌خواهد مربی باشد یا بازیکن، هرچند این روزها بازیکنان و مربیان داخلی هم با استفاده از اوضاع به‌هم ریخته فوتبال ایران اسب‌شان را هر طور که می‌خواهند می‌تازانند و سود خوبی هم به جیب می‌زنند، با وجود این هنوز عجیب بودن خواسته خارجی‌ها در صدر داستان‌های عجیب و غریب فوتبال ایران قرار دارد.

تا دیروز آنچه از عقد قرارداد با خارجی‌ها شگفت‌زده‌مان می‌کرد، بی‌کفایتی مدیریتی بود که باعث می‌شد قراردادهایی بدتر از ترکمن‌چای بسته شود؛ قراردادهایی که عمدتاً هزینه‌های هنگفتی روی دست باشگاه‌ها می‌گذاشت و ضرر آن به مراتب از سودش بیشتر بود، اما مدتی است که کار چنان به جاهای باریک کشیده است که دیگر عمده خواسته اجنبی‌ها را مسائل مالی شامل نمی‌شود و گاه خواسته‌های جانبی آنها از ارقام درشتی که در قراردادهای‌شان درج می‌شود نیز عجیب‌تر است.

یکی از این درخواست‌های جالب توجه را موسیمانه آفریقایی مطرح کرد؛ مرد سیه‌چرده‌ای که تنها سه ماه سکان هدایت آبی‌پوشان پایتخت را در دست داشت، یکی از شرط‌هایش برای پذیرفتن پیشنهاد استقلال، خانه ویلایی با استخر سرپوشیده بود که

دست آخر با پیشنهاد باشگاه برای اقامت در یک برج لوکس با استخر موافقت کرد.

بدون شک تهیه مسکن برای مربیان وظیفه باشگاه‌هاست و هرمربی در هر کجای دنیا به دنبال خانه‌ای راحت است تا دغدغه‌ای برای استراحت نداشته باشد اما اینکه خانه‌ای ویلایی با استخری سرپوشیده یکی از شرط‌های عقد قرارداد باشد، اصلاً اتفاق مرسوم و عادی‌ای نیست، اما نه برای مدیران فوتبال ایران که عادت دست رد زدن به سینه مربیان و بازیکنان خارجی را ندارند و هنوز نه گفتن به ارقام عجیب و خواسته‌های عجیب‌تر آنها را نیاموخته‌اند! اما عجیب‌تر از درخواست رفاهی موسیمانه که در طول سه ماه حضورش در ایران پول خوبی بابت دلالی‌هایش در استقلال به جیب زد، خواسته نادر بازیکن مدنظر کارتال، سرمربی جدید سرخپوشان تهرانی است. مرد ترک‌تبار نیمکت پرسپولیس در بدو ورود درخواست جذب دو بازیکنی را که از شاگردان سابقش بودند، داد. دورسون و کرایان کنت که اولی خیلی زود جذب شد اما دومی شرطی نادر برای حضور در ایران داشت که در نوع خود بسیار جالب توجه است! به طوری که او را نیامده به سوژه رسانه‌ها تبدیل کرده است. براساس ادعای نشریه ترکی آاس مارکا، وینگر سابق لیورپول علاقه زیادی به حیوانات خاص از جمله مارها و تمساح‌ها دارد و گویی به دلیل قانونی بودن نگهداری تمساح در ایران به کارتال چراغ سبز نشان داده شده، اما تنها به این شرط که بتواند حیوان خانگی خود را که یک تمساح است به ایران بیاورد! تمساحی که حداقل ماهی ۱۰۰میلیون تومان هزینه‌های نگهداری آن است؛ هزینه‌هایی که باید دید کنت خودش متقبل می‌شود یا به عهده باشگاه می‌گذارد تا پرونده بعدی شکایت از پرسپولیس به فیفا منحصربه‌فردترین پرونده شکایت باشد(عدم‌دریافت هزینه‌های نگهداری تمساح)! تا قبل از این، خاص‌ترین درخواست‌های خارجی‌ها خانه‌های لاکچری و اتومبیل با راننده بود اما درصورت جذب رایان کنت باید منتظر درخواست‌های خاص‌تر از تمساح هم باشیم. مگر آنکه برای یک‌بار هم که شده فوتبال ایران قید یک‌بازیکن را به دلیل خواسته‌های نامعقولش بزند!

## فوتبالیست‌های بیمار!

■ اشرف رامین

تصور می‌شد با الزام تیم‌ها به گرفتن تست پزشکی و بررسی سلامت بازیکنان، دیگر خبری از خرید فوتبالیست‌های بیمار نشود، اما در روزهایی که فوتبال کشورهای همسایه با سرعت نور در حال رشد است، ما همچنان اندرخم یک کوچه هستیم. جذب بازیکنان مصدوم و بیمار هم یکی از معضلات فوتبال ایران است که البته در این یکی هم ردپای شبکه دلالی چسبیده به فوتبال به وضوح دیده می‌شود.

سال‌هاست دلال‌ها با انواع و اقسام حیله‌ها مصدومیت و حتی بیماری‌های صعب‌العلاج بازیکنان خارجی را پنهان می‌کنند و آنها را به فوتبال ایران می‌آورند؛ بازیکنانی که حتی با وجود پیشرفت‌های پزشکی و انجام تست‌های مختلف سلامت باز هم موفق به عقد قراردادهای آنچنانی با باشگاه‌های فوتبال ایران می‌شوند و جای تأسف است که وقتی هم واقعیت فاش می‌شود، طلبکارانه فوتبال ایران را ترک می‌کنند و از آنجا که در زمان عقد قرارداد هم تمام جوانب را برخلاف ما سنجیده‌اند، پول هنگفتی هم از ایران به همراه جریمه شکایت‌های‌شان می‌گیرند و برای همیشه می‌روند که خوش باشند، در حالی که اگر چنین اتفاقی در فوتبال جهان رخ دهد، به صورت طبیعی این بازیکن است که باید خسارت پرداخت کند و به خاطر

پنهان‌کاری جریمه هم بشود اما در فوتبال ایران همه چیز برعکس است.

اسفند سال گذشته سرجیو سائول کوینترو چاوز به استقلال خوزستان پیوست، ولی خیلی زود کاشف به عمل آمد که هافبک اکوادوری هپاتیت دارد! تنها چند روز پس از عقد قرارداد با چاوز، تست هپاتیت B این بازیکن در تست‌های ایفمارک مثبت از آب درآمد. قاعدتاً این بازیکن اکوادوری یک دقیقه هم برای تیم جنوبی بازی نکرد و قراردادش فسخ شد. عجیب این است که نجفی، مدیرعامل باشگاه ادعا کرد چاوز یکی از خریدهای باکیفیت لیگ‌برتر بوده. اینکه چرا بعد از عقد قرارداد تست او مثبت اعلام شده ابهامی است که کسی به آن پاسخ نداده و معلوم نیست در صورت شکایت به فیفا، چه جریمه‌ای در انتظار استقلال خوزستان است. این قضیه در گذشته هم چند باری تکرار شده و در اوج بی‌کفایتی مدیران و فعالیت‌های دلالان فرصت‌طلب، تیم‌های باشگاهی فوتبال اقدام به عقد قرارداد با بازیکنان گمنامی کرده‌اند که به بیماری‌هایی از جمله هپاتیت و ایدز مبتلا بوده‌اند! برخی از تیم‌های وطنی با هیاهوی فراوان با فوتبالیست‌های بیمار قرارداد می‌بندند و آنها نیز با خیال راحت و حمایت دلال خود پول خوبی به جیب می‌زنند. سومایلا دیاکیته، دروازه‌بان اهل مالی با خوش‌اقبالی فراوان توانست در سال ۱۳۹۳ با تیم استقلال خوزستان قرارداد امضا کند. او یکی از ۲۹بازیکن خارجی لیگ چهاردهم بود اما به دلیل ابتلا به هپاتیت نتوانست برای استقلال خوزستان به میدان برود. پرسپولیس در این مسئله باتجربه‌تر از بقیه تیم‌هاست، هروه اوساله بازیکن اهل بورکینافاسو به دلیل ابتلا به هپاتیت و بعد از فسخ قرارداد ۳۰هزار دلار از این تیم گرفت. رافائل نیجریه‌ای نیز به رغم ابتلا به هپاتیت با شکایت به فیفا شش امتیاز از پرسپولیس کم کرد. ساموئل اوکویه دروازه‌بان اهل نیجریه عضو تیم سرخپوشان دلوارافزار بود و به دلیل ابتلا به ایدز در تهران درگذشت.

## بهشت «خارجی‌های بیکار»

■ شمیم رضوان

حضور بازیکنان و مربیان خارجی در فوتبال ایران همواره با حرف و حدیث‌های بسیار همراه بوده، چراکه باوجود هزینه‌های زیادی که در این زمینه انجام می‌شود، کمتر مربی و بازیکنی می‌تواند به لحاظ فنی نمره قابل قبولی کسب کند، اما آنچه طی سال‌های اخیر به معضلی جدی در فوتبال ایران تبدیل شده، بازیکنان و مربیانی بود که قبل از حضور در ایران مدتی بدون تیم و در واقع بیکار بودند؛ اتفاقی که نشان از قدرت قابل توجه دلال‌ها و بی‌کفایتی مدیرانی دارد که کوچک‌ترین سدی مقابل این فساد فاحش ایجاد نمی‌کنند، به همین دلیل خود را نیز در مظان اتهام قرار می‌دهند، خصوصاً که عمده این بازیکنان بدون اینکه عملکرد مثبت یا قابل قبولی از خود ارائه دهند، بدهی‌های هنگفتی روی دست فوتبال ایران می‌گذارند، اما هدررفت بودجه باشگاه‌هایی که عمدتاً دست‌شان خالی است تنها پیامد منفی جذب این و بازیکنان و مربیان نیست. در واقع این بازیکنان علاوه بر اینکه سهمیه باشگاه‌ها را پر کرده‌اند و هیچ بازده فنی ندارند، کیفیت عملکرد تیم و حتی لیگ را نیز پایین می‌آورند و دست آخر هم بسیاری از این مربیان و بازیکنان پس از ناکامی در لیگ ایران از باشگاه‌های تحت قرارداد خود به فیفا شکایت می‌کنند و پرونده‌های متعددی را روی

دست باشگاه‌ها می‌گذارند و علاوه بر جرایم بین‌المللی، آبروی فوتبال ایران را هم خدشه‌دار می‌کنند، حال آنکه با کوتاه شدن دست دلال‌ها و حذف چرخه مدیران بی‌کفایت و نظارت روی روند جذب بازیکنان و مربیان خارجی و افزایش شفافیت قراردادها می‌توان مانع حضور بازیکنان و مربیان بی‌کیفیت و نفراتی در فوتبال ایران شد که مدت‌ها بدون تیم و بیکار بوده‌اند. مارک ویلموتس بلژیکی، سرمربی تیم ملی فوتبال ایران که هزینه هگفتی روی دست فدراسیون گذاشت و هیچ بازده مثبتی هم در تیم ملی ایران نداشت، از جمله مربیانی بود که قبل از نشستن روی نیمکت ایران مدتی بیکار بود. علاوه بر ویلموتس، دراگان اسکوچیچ، ریکاردو ساپینتو، گابریل کالدرون و حتی میرسلاو بلاژویچ جزو مربیانی بودند که قبل از حضور در فوتبال ایران مدتی را بیکار بودند، اما این موضوع تنها شامل حال مربیان نمی‌شود و بازیکنان زیادی به فوتبال ایران وارد شده‌اند که مدت‌ها بیکار و بدون تیم بوده‌اند. برای نمونه شیخ دیاباته پس از جدایی از الجزیره امارات بدون تیم بود و به استقلال پیوست. همچنین کادوین منشا نیجریه‌ای قبل از پیوستن به پرسپولیس مدتی بیکار بود. لوسیانو پریرا در مقطعی قبل از حضور در فولاد بدون تیم بود. همچنین کریستوفر نت اتریشی قبل از پیوستن به تراکتور، اما بدون شک رافائل ادرهو مهاجم نیجریه‌ای بدترین نمونه بازیکنان بیکاری بود که به فوتبال ایران پیوست چراکه گفته می‌شد رافائل یک کارگر اماراتی بود که به لطف انصاریفرد پیراهن پرسپولیس را به تن کرد و باوجود داشتن هپاتیت از پرسپولیس شکایت کرد و خسارت قابل توجهی از سرخپوشان گرفت، اما حتی این خرید فاجعه‌بار هم نتوانست شرایطی را مهیا کند که نظارت‌ها بر جذب بازیکنان و مربیان خارجی بیشتر شود تا دیگر شاهد حضور نفرات بیکار در فوتبال ایران نباشیم.